روزنامه وظیفه روز های شنبه شماره مخصوص در چهار صفحه منتشر و مطالب آن منحصر در مسائل اخلاقی واجتماعی اسلام است . این شماره تحت نظر آقای خالصی زاده وبمراقبت دفتر نشریات دینی تنظیم میشود

وظیفه

صاحب امتیاز - سید محمدباقر حجازی
عنوان تلگرافی : نامه وظیفه
جای اداره — خیابان ناصر خسرو
تلفن: ۸۲۵۵

سال دوم — شنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۳۲۴ مطابق ۲۵ شعبان ۱۳۶۴ — شماره ۱۱۳

در استقبال ماه رمضان

خطبه سید الانبیاء

صلی اله علیه و آله

ترجمه علامه مجلسی

باید دانست که ماه مبارک رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماه هاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول خدا در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت ورحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماه هاست و روزهایش بهترین روزهاست وشبهایش بهترین شبهاست وساعتهای آن بهترین ساعت هاست .

آن ماهی است که خوانده اند شما را بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در ان از اهل کرامت خدا نفس های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد وعمل های شما در آن مقبول است ودعای شما در آن مستجابست

پس سئوال کنید از پروردگار خود به نیت های درست ودلهای پاکیزه از گناهان به صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن وتلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که شقی وبدبخت کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم ویاد کنید بگرسنگی وتشنگی شما در این ماه گرسنگی وتشنگی روز قیامت را وتصدیق کنید بر فقیران ومسکینان خود وتعظیم نمائید پیران خود را ورحم کنید کودکان خود را ونوازش نمائید خویشان خود را و نگهدارید زبانهای خود را از آنچه نباید گفت وبپوشید دیده های خود را از آنچه حلال نیست شما را از نظر کردن بسوی آن وبازدارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن ومهربانی کنید بایتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما بایتیمان شما وبازگشت کنید .

بسوی خدا از گناهان خود وبلند کنید بسوی خدا دست های خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نماز ها بهترین ساعت هاست نظر می کند حقتعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود وجواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند ولبیک میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند ومستجاب میکرداند او را هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان بدرستیکه جانهای شما است در گروه های شما است پس از گرو بدر آورید به طلب آمرزش ز خدا وپشت های شما گران بار است از گناهان شما پس سبك گردانید آنها را بطول دادن سجده ها وبدانید که حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز گذارنده گان وسجده کنندگان را ترسانید ایشان را باتش جهنم در روز قیامت

ایها الناس هر که از شما افطار دهد روزه دار مومنی را در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و امرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند .

یارسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود بپرهیزید از آتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران اگرچه به نصف دانه خرما باشد اگرچه بیك شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را می دهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد .

ایها الناس هر که خلق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد وهر که سبك گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند وهر که در این ماه شر خود را از مردم بازدارد حقتعالی غضب خود را در قیامت از او بازدارد وهر که در این ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد وهر که در این ماه صله واحسان کند باخویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت وهر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود کند خدای عزوجل در قیامت قطع رحمت خود از او بکند .

وهر که نماز سنتی در این ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد وهر که در این ماه نماز واجبی را اداء کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماه های دیگر میکرده است هر که در این ماه بسیاری صلوات بفرستد بر من وبر آل من خدا سنگین گرداند ترازوی اعمال او را در روزی که ترازوهای اعمال سبك باشد و کسی که یك آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماه های دیگر ختم قرآن کرده باشد .

ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در این ماه کشاده است پس سئوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد — ودرهای جهنم در این ماه بسته است از خدا سئوال کنید که بر شما نگشاید وشیاطین را در این ماه غل می کنند .

پس سئوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند وایضا از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که در ماه رمضان خطبه خوانده اند و فرمودند ایها الناس این ماه ماهی است که خدا آن را بر ماه های دیگر فضیلت وزیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم ودر این ماه کشوده میشود درهای آسمان ودرهای بهشت ودرهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم در این ماه ودر این ماه شنیده میشود نداهای مومنان و مستجاب می گردد دعای ایشان ورحم می کند گریه های ایشان را ودر این ماه شبی است که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند وسلام می کنند مردان وزنان روزه دار را برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح وآن شب قدر است که حقتعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت وامامت ما را پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار سال و عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه وروزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه

ایها الناس بدرستیکه امتیازهای رمضان وماههای آن طالع می شود برمردان و زنان روزه دار بارحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر نیست وروزه هایش بهترین روزه هاست و شبهایش بهترین شبهاست ودیوان وشیاطین را در این ماه غل کرده در زندانند زیاده می کنند .

در این ماه روزیها و عمرها را مینویسند ومقدر می گرداند در این ماه حاجیان بیت اله را ودر این ماه حق تعالی رو می کند اهل ایمان را بامرزش وفیروزی ورحمت وروزی وخوشنودی خداوند جزا دهنده روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار خودی نظر کن وتامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و روز خود چگونه نگاه میداری اعضاء وجوارح خود را پس نظر کن که شب ها در خواب نباشی وروز ها غافل نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو باقی مانده باشد .

در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جمله زیانکاران باشی ودر وقتی که بکرامت آقای خود فائز گردند تو از جمله محرومان باشی ودر روزی که سعادتمند میگردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده شده گان باشی ایروزه دار گر تو را آقای تو از رگاه خود براند بکدام در گاه روی خواهی آورد واگر محروم گرداند تو را پروردگار تو که روزی خواهد داد تو را واگر او تو را خوار کند که تو را گرامی خواهد داشت واگر او تو را ذلیل گرداند که تو را عزیز خواهد کرد واگر او تو را واگذارد که تو را یاری خواهد کرد واگر او تو را از بندگان خود بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد واگر او لغزش ها و گناهان تو را نیامرزد امید بکه خواهی داشت .

برادر آمرزش گناهان خود اگر حق خود را که بر تو واجب گردانید از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت

ای روزه دار تقرب بسوی پروردگار خود بتلاوت کردن کتاب خدا در شب ها وروزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول می کند ودر قیامت شفاعت می کند برای آنهائی که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن وبروزه دار بشارت باد تو را که هر نفس که در این ماه میکشی ثواب تسبیحی را نامه عمل تو مینویسند وخواب تو در این ماه عبادت وطاعت و در این ماه مقبول است و گناهان تو در این ماه آمرزیده است واوازهای تو در این ماه بدعا شنیده شده است ومناجات وراز که با خدا توئی بر تو رحم می کند بدرستیکه شنیده ام از حبیب خود حضرت رسول خدا که خداوند عالمیان را در هر شب از شب های ماه مبارك رمضان آزاد کرده هائی هست از آتش جهنم که عدد ایشان را به غیر از خدا کسی نمی داند وچون شب آخر میشود در آن شب می آمرزد .

مثل آن چه در جمیع ماه آمرزیده است وایضا فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد ونفس خود را از چیزهائی که خدا حرام کرده است نگاه دارد البته بهشت او را واجب گردد وهر که در این ماه روزه دار در هیچ شب از شب های آن افطار به حرام نکند البته داخل بهشت شود پس امیر المومنین علیه السلام فرمود که شنیده ام از سید انبیا صلی اله علیه واله که فرمود که بهترین اوصیا پیغمبران در بهترین ماه ها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماه ها کدام است وبهترین اوصیاء کیست

فرمود که بهترین ماه ها ماه رمضان است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یارسول اله این البته خواهد شد .

فرمود بلی بحق پروردگار بدرستیکه برانگیخته می شود بدبخت ترین امت من جفت بی کننده ناقه صالح وضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خراب بشود پس مردم شروع بگریه وفغان کردند وحضرت از منبر بزیر آمدند وایضا از حضرت رسول صلی اله علیه وآله وسلم منقول است بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دار در روزه آن را وبایستد بنماز وعبادت قدر مقرری از شب آن را ونمازها را در اوقات فضیلت بجا آورده مبادرت کند بنماز جمعه آن وبامداد بنماز عید حاضر شوند پس دریافته خواهد شد نماز شب قدر را وفایز میگردد بجایزه ها و بخشش های بزرك خدا و بخشش های خدا مانند بخشش های بندگانش نیست

نور

این خطبه مبارکه که بر اصول علم اجتماع و تربیت و اخلاق و شرایع که فن صحت و بهداشتی واصول اقتصادی کاملا در آن رعایت گردیده مشتمل است .

مختصری از تعالیم اسلامی در این خطبه شریفه وجود دارد واگر بشر باین فرازها مقید بشود وبرطبق آن عمل کند سعادت دنیا و آخرت ورفاهیت دو عالم اززند گانی نصیب آنان میگردد از اینجا دانسته میشود طرز تعالیم اسلامی برچه نحو ست واصول آن برچه پایه هائی استوار گردیده است

حقیقت اسلام ومذهب تشیع

در این ایام عدهٔ از بی دینان و ملحدین و مشرکین و ارباب شهوات و اباهی ها مانند مردوخ کردستانی و کسروی تبریزی و بعضی افراد حزب توده و بعضی روزنامه نویس ها و پاره زنان بی قید یا بنام حزب زنان و کانون بانوان و دکتر افشار و امثال آنان که شاید همه اینان ازیك سرچشمه آب مینوشند نشریات و اقداماتی برخلاف دین اسلام مینمایند و بدین اسلام و بالاخص بمذهب تشیع دروغهای خارج از حقیقت می بندند .

در نشریات ما و چهارده شماره منشور نور بدفاع آنها و تکذیب اشاعات و مهمل بافی که بدین اسلام می بندند اشتغال داشتیم باین سبب ازذکر حقایق اسلامی و پایه های مذهب تشیع منصرف شدیم .

عده از خوانندگان از بلاد مختلف ایران و غیره بما نوشتند که ستون های منشور نور را بدفاع این نشریات مشغول ننمائید و بذکر حقایق اسلامی واصول مذهب تشیع بپردازیم این پیشنهاد مورد پسند هیئت علمیه دفتر نشریات دینی واقع شده و بتصور اینکه ذکر حقایق اسلامی و اصول مذهب تشیع برای دفاع و تهمت هائی که بی دینان بدین اسلام نسبت میدهند کافی است لذا به نشر حقایق اسلامی ازاین به بعد می پردازیم و مسلمانان وغیره هم بدانند که هر امری و ادعائی که در نشریات بی دینان برخلاف حقایق منتشره در این منشور می بینید تهمت صرف ودروغ محض است چون دو مسئله مطرح کلام است .

یکی آزادی غیر محدود زنان که به بی عصمتی و بی عفتی منجر باشد که قائد آن دکتر افشار و حزب زنان است و برضد آنان خرافی هائی که زنرا از هر نوع علم و تربیت و صنعت میخواهند محروم کنند و امر دیگر تهمت هائی که کسروی و مردوخ بدین اسلام و مذهب تشیع و برضد آن خرافی هائی که بمذهب تشیع و دین اسلام پیرایه هائی خارج از آنها بستند برای تحقیق حق ورعایت مصلحت بشر و خدمت بعالم اسلام عموما و ایران خصوصا در دو امر مذکور هیئت علمیه دفتر نشریات دینی در نظر گرفت که دو کتاب تدریجا در منشور نور منتشر کند کتاب اول کتاب نظام عائله تألیف آقای خالصی زاده که امر اول را کاملا تحقیق وضرر آزادی غیر محدود زنان و منع آنها از هرنوع تحصیل و صنعت برطبق تعالیم اسلام و تحقیقات فلاسفه اجتماع و بن تربیت و متخصص اوضاع زنان و دختران در این عصر حاضر به نحو اکمل بیان و کشف میکند .

کتاب دوم — مناظره مامون خلیفه عباسی در قرن دوم هجری با علمای بغداد بترجمه جناب علامه فهامه مجتهد متبحر متتبع آقای سید علی اکبر برقعی قمی دامت اقباله برکاته این کتاب حقیقت مذهب تشیع را با استدلال از طرق شیعه و سنی بسان بزرگترین خلیفه اسلامی نشان میدهد و تهمت های کسروی و مردوخ که بمذهب تشیع بستند کاملا باطل میسازد و مدلل مینماید که امثال این اشخاص چه اندازه بی حیا و بی شرم و از خدا دور و بی ادراك و بی انصاف هستند و از این شماره صفحه ۳ منشور نور اختصاص باین دو کتاب داده خواهد شد .

از نامه های وارده

جناب آقای خالصی زاده

شمارهٔ چند از جرائد شریفه منشور نور را که ناشر حقایق دین مبین اسلام است مورد مداقه و مطالعه قرار داده و از کمالات علمی و اطلاعات دینی آن جناب نسبت بمباحث منتشره در بارهٔ قوانین اسلامی (قوانین معاملات قوانین مخاصمات و منازعات حقوقی — قوانین جزائی وو) استناده کامل برده و روح تازهٔ بافکار فرسوده ام دمیده شد خطابهٔ موزون جنابعالی در بارهٔ علم لیبدایش بشر یعنی اسپر ماتوزوئید و بیانات مفصله در بارهٔ الکترون و تطبیق هردوی آنها باآیات قرآنی افکارم را متوجه بیان کشیش فرانسوی که سمت معلمی مرا در دوره تحصیلی داشت نموده کشیش نامبرده میگفت شما مسلمانان بداشتن قرآن یعنی دستور واحکام الهی مباهات میکنید و حال اینکه ترجمه و تفسیر آنرا نخوانده و معنی آنرا نمی فهمید لیکن در اروپا مخصوصا فرانسه مجلد بیشماری از کران (قرآن) بزبان فرانسه ترجمه و حتی مباحث مختلفه و قوانین متعددهٔ آن طبقه بندی و تفکیك گشته و مورد استفادهٔ علماء و دانشمندان قرار گرفته است)

و بدین لحاظ هرلحظه باستماع و مطالعهٔ بیانات و نگارشات نویسندهٔ محترم شایق ترمیگشتم

حق داشتم زیرا بین صدها روزنامه و مجله جریده نمیافتم که چند سطری در اطراف دین مبین اسلام قلمفرسائی نموده و ابرهای خرافات و پیرایه هائیکه انوار حقایق اسلامی را مستور داشته پاره نماید

شنبه نه‌شته شماره ۱۰۹ وصیه شماره ۱۲ منشور نور) بدستم رسید باذوق وخاطری شاد بمطالعه آن پرداختم از مطالعه شرح زندگی حسین بن علی وصفات ممیزه او بخود بالیده و به پیوستگی با چنین بزرگی مباهات نمودم ولی چون عده از ستونهای آن جریدهٔ شریفه اختصاص به پاسخ تهمتهای مرتجعین داده شده بودند خاطرم افسرده و پریشان گشت چون ارزش صفحات منشور نور را برتر از آن میدیدم که در اطراف نشریات و پیرامون گفته‌های مرتجعین صرف شود این بود که فرط علاقه بدین مبین اسلام مرا وادار نمود درمقام جسارت برآمده مکنونات قلبی خود را بعرض آن جناب برسانم

منظور قلم فرسائی و سخن سرائی نیست و معترفم که فکر سرشار و اطلاعات جامع مؤلف محترم نیازی بمخله ناتوان من نخواهد داشت ولی برای روشن شدن موضوع چند دقیقه از اوقات گرانبهای حضرت عالی را برای مطالعه این چند سطر میگیرم منظور اصلی مرتجعین که روزنامه منشور نور را با ذکر اباطیل مورد طعن قرار میدهند : تنها مخالفت با قوانین اسلامی و دشمنی باشخص جنابعالی است

بلکه دشمنی با جوانان تحصیل یافته و فارغ التحصیلهای امروزی است اینها بخوبی میدانند در صورتیکه جوانان آزموده امروزی واقف بعلوم الهی و قوانین قرآنی شوند به بهترین سلاح که همانا توحید کلام است متوسل نشده و نه تنها در تحت لوای پرچم اسلام از مدنیت و سواری وعسرت و تنگدستی نجات می یابند بلکه دهان نادانان و بی خردان را خواهند دوخت

مرتجعین یعنی کافران مسلمان نما سالهای متمادی در طرح برنامه فعلی وزارت فرهنگ رنج برده و تحمل زحمت نموده و استخوان خورد کرده اند تا بتوانند مجای تنویر افکار جوانان روح آنها را تاریك و تهی نمایند حال جنابعالی میخواهید با جایگزین کردن فقه اسلامی بجای مواد زائد برنامه فعلی را برصحیح اصول صحیحه استوار ساخته و قصر علم و دانش را بر سر این خانه خراب بنا نمائید

ولی مرتجعین بخوبی میدانند که اگر حقوق جای مواد زائد و بی ثمر را بگیرد جوانان تحصیل یافته امروزی ایران نیز مثل سایر جوانان تحصیل یافته دنیا خویش را صاحب حق شمرده و سر بلند و سر افراز نشسته سواری بی خردان نخواهند گردید از این رو اوقات عزیز دانش آموزان را بیهوده صرف فرا گرفتن موادی می نمایند که پیشیزی ارزش ندارد .

یکنفر فارغ التحصیل امروزی اسم هزاران سنك و هزاران فیل فرمول مختلفه هزاران فورمول شیمیائی و شیمیائی بدون ثمن هزاران فورمول ریاضی بدون فهم هزارها ابیات سروو می ولب لعل و تعداد زوجه های سلاطین ووو را از حفظ میدارد ولی از دانستن حقوق جزائی و وو از معماهای لاینحل است .

جنابعالی معتقدید که تحصیل علم حقوق از مواد حتمی و ضروری دانش آموزان باید باشد زیرا جوانان را صاحب حق دانسته و برای احقاق حق مسلمه حقوق اسلامی را ترجیح میدهید ولی اگر مرتجعین برای جوانان و مسلمانان حقی و حقوقی قائل باشند حقوق حقه پدران و مادران و بزرگان خانواده را غصب نکرده و دوشیزه های محصله را برخلاف میل خانواده بنصف ادام برهنه مانند زنهای تعیش گاه های شبانه در معرض نظاره قرار نداده و بسوی زمین امجدیه و استخر های شنا سوق نمیدادند و بدین لحاظ تدریس حقوق را امروز بعضی روح القوانین دانها برای رواج بازار خود ترتیب داده اند .

جنابعالی معتقد هستید با تفسیر آیه (الحمدلله الذی خلق الانسان من علق) عامل خلقت بشر تعین «علق» را بدانش آموزان آموخته و قدرت خالق یکتا را ظاهر سازید مرتجعین معتقدند که با ترجمه کتابهای خارجی امپراتور ولید را برای دانش آموزان تشریح نموده و افکار ایرانیان را بعظمت روح خارجی ها سوق دهند .

مؤلف محترم عقیده مند است با تفسیر آیات مربوطه موضوع الکترون را بدانش آموزان مسلمان آموخته و با توسل بمعانی آیات مربوطه اشکال و ابهام علمای اروپائی را که تابحال لاینحل باقی مانده توسط جوانان ایرانی حل و فسخ شود .

بقیه در صفحه ۲

هر که تمام تعالیم اسلام را عمل کند خوش زندگانی دنیا وآخرت خواهد داشت وبرتمام ملل دنیا بحکم فضل عالم برجاهل وصلح برناصالح حکومت وسیادت می کند وتا آخر ابد بمقتضای بقای اصلح باقی وپایدار میشود وا رتمام ملل بتعالیم اسلامی عمل می کردند

صلح جهان وعدالت اجتماعی و فردی و سعادت دنیا و آخرت نصیب عالم بشریت می گردید وبدون تعالیم اسلامی محال است که بشر روی خوش در دنیا ببیند وصلح جهان تامین گردد مخصوصا بااختراعات جدید ومکتشفات تازه خداوند متعال بلطف خود بتعالیم اسلامی تمام بشر را اشناو بعمل بآن موفق گرداند

خوب است متجدد دین که بکلمات اجتماعی فرنگیها آشنا هستند درهر فراز از روی دقت باین خطبه شریفه ملاحظه کنند که علم وتعالیم عالیه کجاست آیا ازوحی الهی باید بشود یااز ادمغه متشنجه بشر باید تراوش کند

گزارش آقای منصور السلطنه عدل
رئیس هیئت نمایندگی ایران در سانفرانسیسکو

بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مسبوق است تقریبا در یکسال پیش دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس و چین و کشور های متحده امریکای شمالی بمنظور ایجاد یکسازمان نوینی که بتواند در آتیه صلح و امنیت بین المللی را بنحو مؤثری تامین نماید در (دمبارتن اوکس) انجمنی تشکیل دادند در انجمن مزبور طرح این سازمان را تهیه و بکلیه دولتهائی که اعلامیه ملل متحده مورخه اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرده بودند و همچنین بدولتهائی در جنك جهانی کنونی بی طرف بودند ابلاغ وشرایطی را هم که با رعایت آن دولت های اخیر میتوانستند در کنفرانسی که بایستی در شهر سانفرانسیسکو برای مباحثه در طرح مذکور تشکیل گردد شرکت نمایند معین کردند

دولت شاهنشاهی ایران که از امضا کنندگان اعلامیه ملل متحده بود و در تاریکترین ایام جنك کنونی بدولت آلمان اعلان جنك داده بود طبعا و حقا بدین کنفرانس دعوت شد و هیئت نمایندگی خود را که بنده افتخار ریاست آن را داشتم با دستورات لازم به شهر سانفرانسیسکو گسیل نمود کنفرانس سانفرانسیسکو درروز پنجم اردیبهت ۱۳۲٤ افتتاح یافت پس از آنکه بادعوت دولت های آرژانتین اوکرانی و روسیه سفید موافقت کردید با عضویت پنجاه دولت مشغول بکار شد. جای بسی تاسف بود که یکی از شجاعترین ملل اروپا که اولین قربانی اقدامات تجاوز کارانه آلمان بود و برای دفاع از خاك میهن عزیز خود از هیچگونه فداکاری مضایقه ننموده بواسطه بعضی پیش آمد های داخلی که البته بر خاطر نمایندگان محترم پوشیده نیست نتوانست در این کنفرانس شرکت نماید ولی خوشبختانه موانع شرکت آن ملت یعنی ملت لهستان مرتفع و در نسخه اصلی منشوری که بامضای نمایندگان پنجاه دولت رسید جای مخصوصی برای امضای نمایندگان آن دولت محفوظ گردیده است.

قبل از مبادرت بعرض مختصری از کار های کنفرانس شاید بی مناسبت نباشد که برای روشنی ذهن، خلاصه ای از تشکیلات و تقسیم کارهای آنرا به اطلاع نمایندگان محترم برسانم

برای مطالعه طرح دمبارتن اوکس و مباحثه در اطراف پیشنهادهای اصلاحی که خواه از طرف دولتهای دعوت کننده یعنی دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس و چین و کشور های متحده امریکای شمالی و خواه از طرف هیئت های نمایندگی سایر دولت های عضو کنفرانس رسیده بود کار های کنفرانس بین چهار کمیسیون تقسیم گردید هر یك از این کمیسیون ها هم باستثنای کمیسیون چهارم که دارای فقط دو کمیته بود به چهار کمیته تقسیم شده بود بنحوی که روی هم رفته چهار کمیسیون وچهارده کمیته مامور مطالعه ومباحثه بودند علاوه براین کمیته ها و کمیته های فرعی دیگر که از طرف کمیته های اصلی تشکیل می گردید سه کمیته دیگر نیز یکی بنام کمیته مدیره ودیگری بنام کمیته اجرایه و سومی بنام کمیته تطبیق وجود داشت

کمیته مدیره که تمام دولت های عضو کنفرانس در آنجا عضویت داشتند فقط از روسای هیئت های نمایندگی تشکیل ولی در کمیته اجرایه و کمیته تطبیق فقط چهارده دولت که یکی از آنها هم دولت ایران بود نماینده داشتند البته آقایان نمایندگان بدانستن این نکته نیز علاقمند میباشند که چگونه دولت شاهنشاهی این مقام بالنسبه مرجح را احراز کرده وبعضویت کمیته اجرائیه کنفرانس و بالنتیجه بعضویت کمیته تطبیق انتخاب گردید.

علت این رجحان بس واضح است زیرا بارعایت تقسیمات جغرافیائی دنیا که در تشکیل این قبیل کمیته یا کمیسیون های بین المللی باید همیشه منظور نظر واقع گردد تا بعریت از قطعات جهان در آنجا نماینده داشته باشند این مقام حقا بدولت ایران متعلق می گشت بدلیل اینکه در میان ملت های خاور میانه وخاور نزدیك تنها ملتی که در تیره ترین روزهای تاریخ جنك کنونی برطبق آئین چندین هزار ساله خود برعلیه سیاست زور گوئی که اساس امپریالیسم نازی را تشکیل میداد پرچم مخاصمت بر افراشته و بدولت آلمان اعلان جنك داد و با تمام وسائل واسبابی که در دسترس او بود پیروزی نهائی متفقین خود کمك بس شایان نمود همان ملت ایران بود و با این ترتیب بدیهی است که بایستی درمیان ملل سایر قطعات دنیا که آنها هم برای نیل باین مقصود مشترك همه گونه فداکاری نموده و هزاران هزار قربانی داده بودند مقام خودرا احراز نماید درهر حال مقصود اساسی کنفرانس « سانفرانسیسکو » آن بود که طرح دمبارتن اوکس را مورد مطالعه و مباحثه قرار داده و اساسنامه سازمان جدیدی را تهیه نماید که معایب جامعه ملل سابق را نداشته و بتواند بابهترین وضعیت ممکن صلح و امنیت بین المللی را در آتیه تامین کند معایب عمده جامعه ملل سابق که همیشه باعث عدم پیشرفت و بلکه فلج شدن اقدامات آن سازمان می باشد عبارت بود از اینکه اولا درجامعه ملل اتخاذ هیچ تصمیمی ممکن نبود مگر باتفاق آراء وثانیا سازمان مزبور فاقد قوه مجریه بود.

لزوم اتفاق آراء برای اتخاذ تصمیم موجب آن شده بود که جامعه ملل در تمام مدت عمر خود نتوانست در شکایاتی که به او مراجعه میشد تصمیم لازم گرفته و بدین وسیله از اختلال صلح و امنیت بین المللی جلوگیری نماید. چنانکه در موقع اقدامات مهاجمت آمیز دولت ژاپن برعلیه چین و یا دولت ایتالیا برعلیه حبشه جامعه ملل موفق باخذ تصمیم نشده و فقط بتوصیه هائی اکتفا می نمود و چون سازمان مزبور قوه مجریه ای هم نداشت که بوسیله آن بتواند تصمیمات ویالااقل توصیه های خودرا بموقع اجرا در آورد لذا دولتهای مهاجم نیز بتوصیه های او اعتنا نکرده و باعمال تجاوز کارانه خود ادامه داده و بالنتیجه صلح و امنیت بین المللی را مختل می نمودند پس با این تجارب تلخ و خیبه اولی کنفرانس سانفرانسیسکو آن بود که از این دو عیب بزرك احتراز کرده و شالوده سازمان جدید را طوری بریزد که در آتیه بتواند با اتخاذ تصمیمات مقتضی فوری و با امکان اجرای آن تصمیمات ولو باتوسل به قوه قهریه صلح و امنیت بین المللی را تامین کند درنتیجه این نظریات درطرح دمبارتن اوکس که بعدها در کنفرانس یالتا تکمیل گردید چنین پیش بینی شده بود که اتخاذ تصمیمات مهم بعهده شورای امنیت (که در حقیقت جانشین شورای جامعه ملل میباشد) بوده ودراین شورای نیز یك اکثریت هفت رای از یازده رای کافی باشد ولی نظر باینکه درصورت احتیاج باعمال قوه مسلح فقط دولت های بزرك یعنی دولت اتحاد جماهیر شوروی وانگلیس وچین وفرانسه و کشور های متحده امریکای شمالی قادر خواهند بود که وسائل جنگی کافی از حقیقت نیروی زمینی وهوائی ودریائی ومهمات نظامی وغیره بکار برند ودر حفیظ حفاظت جانی ومالی و اقدامات قهری را متحمل گردند لذا دولتهای چهار گانه ای که بریختن طرح دمبارتن اوکس مبادرت کرده و سپس قسمت مربوط را برای دولت های بزرك سه گانه ای که در کنفرانس یالتا شرکت داشتند تکمیل نموده بودند پیشنهاد کردند که باید حتما این هفت رای اکثریت شامل آراء موافق دولت های بزرك پنج گانه نیز باشد واین همان امری است که در عمل بحق و وی دولتهای معظم تبیر میگردد.

بعبارة آخری درجامعه ملل سابق قرد فرد اعضاء جامعه مثلا دولت لوکزامبورك که هم ازحیث وسعت خاك وهم ازحیث عده سکنه کوچك ترین عضو جامعه ملل بود حق وتو داشت وحال آنکه درزمان نوین ملل متحده اینحق فقط بدولتهای معظم پنج گانه منحصر خواهد شد.

البته معایب ومحسنات این ترتیب که مقتضیات وقت اتخاذ آن را ایجاب مینمود بطور کامل روشن ومعین نمی باشد وبهمین جهت عده از دولت های متوسط و کوچك اهتمام دارند که از قبول آن خود داری گردد ولی نظر باینکه تحصیل موافقت بین دولت های عضو کنفرانس وبالنتیجه رسیدن بمقصود اساسی یعنی ایجاد سازمان نوینی که بتواند در آتیه صلح وامنیت بین المللی را بنحو مؤثری تامین کند بدون اعطای این حق بدولت های بزرك غیر مقدور شده بود.

لذا پنجاه دولت عضو کنفرانس آن را عجالتا قبول نمودند تا درعمل معلوم گردد که دولت های بزرك بچه نحو این حق خودرا بموقع اجرا گذارده و بچه طریق از آن استفاده خواهند نمود و اگر چنان که انتظار میرود در عمل معلوم گردید که استفاده از این حق بنفع صلح واهمیت بین المللی وبروفق اصول عدالت وحق گذاری که از اصول اولیه منشور ملل متحده محسوب میگردند خواهد بود دیگر برای از بین بردن آن موجبی متصور نخواهد شد ولی برعکس اگر خدای نخواسته استفاده از این حق در امور بین المللی باصول عدالت وحق گزاری لطمه ای متوجه سازد البته مسلم است که درموقع تجدید نظر در منشور ملل متحده یعنی منتها در دهمین دوره اجلاسیه سالیانه مجمع عمومی سازمان جدید این ترتیب از بین رفته یا دولتهائی که وجود آنرا مباین منافع ملی وحیاتی خود میدانند از سازمان ملل متحده خارج خواهند شد.

نکته دیگری که درسازمان جدید پیش بینی شده وشایان بسی اهمیت است این است که این سازمان دارای قوه مجریه ای خواهد بود تا عند الاقتضا بتواند با توسل بقوه مسلح تصمیماتی را که برای ایقاء ویا اعاده صلح وامنیت بین المللی اتخاذ میکند بموقع اجرا در آورد. این قوه عبارت خواهد بود از قوای مسلح زمینی وهوائی ودریائی که اعضاء ملل متحده باید باختیار ستاد مخصوصی بگذارد که همیشه درمعیت وتحت اختیار شورای امنیت خواهد بود.

بطوریکه نمایندگان محترم ملاحظه میفرمایند سازمان جدید تاحدی از معایب جامعه ملل سابق که موجب عدم پیشرفت آن موسسه گردیده عاری بوده وبرعکس دارای محسناتی است که باید تمام اعضاء ملل متحده را بعدم تجدید جنگهای خانمانسوز امیدوار سازد.

این نکته نیز نباید ناگفته بماند که درطرح اولی دمبارتن اوکس به چند مسئله مهم توجه خاص نشده وبلکه به بعضی از آنها تصریحا ویا تلویحا نیز اشاره نشده بود این مسائل عبارت است اولا ازممنوعیت اعضاء ملل متحده از توسل به تهدید و یا استعمال قوه مسلح برعلیه تمامیت ارضی ویا استقلال سیاسی یك دیگر درروابط بین المللی خود وثانیا از رعایت واحترام اصول عدالت حق گذاری در تصفیه اختلافاتی که ممکن است بین آنها تولید شود.

تهیه کنندگان طرح دمبارتن اوکس که منظور اساسی آنها ترویج اصول عدالت و تامین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی اعضاء ملل متحده در آینده بود در عدم تصریح این اصول تعهد خاص نداشته بلکه آنهارا از بدیهیات اولی تشخیص داده و ذکر آن هارا ازجمله توضیح و اضحات می دانستند ولی بنابتقاضای دولتهای متعدد وپیشنهاد هائی که ازطرف عده از هیئت های نمایندگی که از آن جمله هیئت نمایندگی ایران بود بعمل آمد این نکات در منشور ملل متحده بنحو مطلوب وبرجسته ای تصریح گردیده وبدیهی است که این تصریح مشوق جدیدی خواهد بود که تمام اعضاء ملل متحده برای تامین صلح و امنیت بین المللی از جان ودل تشریك مساعی کامل نمایند لازم است این نکته را نیز بعرض نمایندگان محترم برسانم که دو مسئله ذیل را میتوان ازجمله علل مهمه دو جنك عالم گیر اخیر محسوب نمود وآن دو مسئله عبارت است از اینکه اول در مسائل اقتصادی واجتماعی همکاری بین المللی وجود نداشته و هر کشوری بایك نظر خود خواهی بمسائل مزبور عطف توجه مینمود ثانیا بین ملل مختلفه عالم همکاری معنوی و فرهنگی نیز وجود نداشت تا جوانان کشور های مختلف با وحدت نظر کاملی تربیت شده و بتوانند در امور بین المللی حسن تفاهم کاملی بین خود ایجاد و بدین طریق از وقوع اختلافاتیکه باعث اختلال صلح عمومی میگردد اجتناب شود وبرای احتراز این معایب است که جزء ارکان اصلی سازمان جدید یك شورای اقتصادی و اجتماعی خواهد بود که در آتیه برای همکاری بین المللی در این امور وسائل لازم ایجاد وتصمیمات مقتضی اتخاذ کند بعلاوه برای حل اختلافات بین المللی چنانکه در سابق دیوان دائمی داد گستری بین المللی وجود داشت در آتیه نیز این دیوان با مختصر تغییر در اساس نامه آن تشکیل خواهد یافت جای بسی تاسف است که در کنفرانس سانفرانسیسکو بملاحظاتی مقدور نشد که قضاوت اجباری دیوان مزبور مورد قبول تمام اعضاء کنفرانس واقع شود ولی خوشبختانه پیشنهادی را که هیئت نمایندگی ایران دایر بلزوم توصیه ازطرف کنفرانس بعموم اعضاء خود برای تسریع در قبول قضاوت اجباری کرده بود.

اعضاء کنفرانس باتفاق آراء قبول کرده واین توصیه بعمل آمد و امید می رود که بتدریج دولت های سازمان جدید هرچه زود تر بمدلول آن عمل نمایند چون ترجمه متن منشور ملل متحده برای تصویب نمایندگان محترم بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد وآقایان نمایندگان از جزئیات مربوط بطرز تشکیلات و وظائف و اختیارات این سازمان جدید مسبوق خواهند گردید لذا بیش از این باطناب کلام نمی پردازم ولی در خاتمه باید توجه مخصوص مجلس شورای ملی را باین نکته جلب نمایم که برای کشور ایران تصویب سریع این منشور دارای اهمیت فوق العاده زیاد است چه شعار دیرین دولت شاهنشاهی صلح دوستی بوده وباید حالا نیز در ردیف اول دولتهای صلح دوست واقع گردد تا بتواند از مزایائی که منشور ملل متحد باعضاء سازمان جدید قائل میشود استفاده بسزا بنماید وبرای تهیه مقدمات افتتاح مجمع عمومی این سازمان در کمیته اجرائی هم که در لندن منعقد میشود ودولت این را هم از اعضاء آن کمیته است تشریك مساعی کامل بعمل آورد

بقیه از نامه های وارده

مرتجعین عقیده مندند که با تدریس جزء لاینجری و کشفیات جعلی رو کفورد انگلیس موضوع الکترون را بطور ساده

(صرف نظر از ابهام و اشکالات) تشریح ضمناً جوانان غافل مسلمان را رو کفورد شناس نمایند.

پس بنابر مراتب مشروحه مسلم و بدیهی است با اختلاف عقیدهٔ که بین آن جناب (تعالیم اسلامی) و مرتجعین بی خرد هست جریدهٔ نور مورد طعن بی دینان قرار خواهد گرفت.

بدین لحاظ از مؤلف محترم تقاضا دارد صفحات ذیقیمت منشور نور را در رد شبهات مرتجعین صرف ننموده بلکه اختصاص به مقایسه حقوق اسلامی وروح القوانین مونتسکیو بدهند.

هرچند مقصود اصلی دفتر نشریات دینی از انتشار این نشریه جلوگیری از توسعهٔ عقاید باطله است وممکن است مرتجعین از سکوت سوء استفاده نمایند ولی میتوان در این گونه موارد جواب تهمتهای آنها را به هیئت علمیه منشور نور واگذار نمود در خاتمه آرزومند است با تشریح و تفصیل حقوق اسلامی و مقایسهٔ آن باحقوق اروپائی این جانب و رفقای تحصیلی یعنی جامعه علاقه مندان به حقوق اسلامی را که در انتظار انتشار جریدهٔ شریفه هستند مستفیض و بهره مند خواهند فرمود.

در انتظار جواب مساعد توفیق آن جناب را از خداوند قادر متعال خواستار است.

ع. معین الرعایا - لیسانسیه حقوق

نور

مقالهٔ فاضل دانشمند آقای ع. معین الرعایا را در این زمینه منتشر کردیم ومقایسهٔ قوانین اسلامی و روح القوانین مونتسکیو را تاکنون منتشر نکردیم چون خواستیم احساسات جوانها و محصلین را قبلا منعکس نموده و سپس مقایسهٔ آندو را شروع نمائیم بخصوص که عدهٔ زیادی از لیسانسیه های حقوق بدفتر نشریات مراجعه و از اعلامیه لیسانسیه های حقوق مبنی براعتراض آنها خودرا مبری واعلام تکذیب چنین اتحادیه را نمودند و اظهار داشتند که محصلین و لیسانسیه ها مسلمان بوده واز حقوق مونتسکیو بی زارند و فقه اسلامی را یگانه قانون نجات دهنده بشر میدانند.

ضمناً هیئت علیه منشور نور ازخداوند متعال خواستار است در صورتی که بعضی از لیسانسیه ها بواسطه و سوسهٔ بعضی روح القوانین دانها گمراه شده اند به این قبیل محصلین اقتدا نمایند.

عالم در یك هفته

از نقطه نظر طلبات

کارگران انگلستان در انتخابات گوی سبقت را ربوده ند یعنی از ششصد رای قریب چهار صدر رأی بنفع حزب کارگر و ۱۹۵ رأی بنفع حزب محافظه کار انگلستان تمام شد و پسر و داماد چرچیل نیز انتخاب نشده و در نتیجه چرچیل در میدان انتخابات فایق نیامد.

کابینه کارگران انگلستان بریاست مستر اتلی مانند چرچیل میل دارد هر چه زودتر جنك درخاور دور بپایان برسد تا کابینه بتواند باصلاحات داخلی انگلستان که احتیاج مبرمی بآن هست مبادرت ورزد

برنامه کارگران انگلستان :

بعضی از مفسرین عقیده مندند که حزب کار گر دراجرای سیاست خود سیاست محافظه کاران را دنبال خواهد کرد وبرخی دیگر معتقدند که این خبر درست بوده ومواد برنامه حزب کارگر بقرار دیگری میباشد و بالاخره نتیجه مواد برنامه دولت اتلی را بقرار زیر میدانند که ماروس مطالب آنرا در این جا متذکر می شویم :

عمل لازم وحل سریع مسائل خانه ها ومنازل آزاد نمودن سربازان جهت کارگر برای آبادی وعمران شهر تنظیم بودجه صحیح

شهر پاریس مرکز کنگره آتیه اتحادیه های کارگران خواهد بود و کنگره قانون اساسی جهت اتحادیه بین المللی کلیه کارگران دنیا خواهد شد.

اعضای داخله کابینه مستر چرچیل درکاخ بوکنگهام حضور پادشاه بارباب کلید های خود را تسلیم و اعضای جدید مستر اتلی نیز پس از ذکر قسم کلید دریافت داشته اند.

حمله ناوگان متفقین

زره دارها ورزمناو هاو سایر کشتی های جنگی ناوگان امریکائی درظرف یك روز معادل یك هزار تن گلوله به «ام ماتو» ریخته اند ودرظرف ۱۹ روز کشتی ژاپونی را قطع نموده و ۷۵ کشتی دیگر آسیب سخت وارد آورده و متجاوز ازچهارصد هواپیمای ژاپنی راسرنگون کرده اند

تصمیم کنفرانس پوتسدام راجع بتخلیه ایران

طبق خبری که از منابع موثق به بعضی مفسرین سیاسی رسیده است مذاکراتی که تا بحال در پوتسدام بعمل آمده موضوع تخلیه ایران ازقوای سه قدرت میباشد ودر نتیجه سه پیشوای متفق تصمیم گرفته اند که قوای شوروی وانگلستان وامریکا ایران را تامدت ۳ ماه تخلیه خواهند نمود

سه پیشوای متفق درپوتسدام شروع بتنظیم بیانیه رسمی نموده اند که در پایان مذاکرات کنفرانس پوتسدام انتشار خواهد یافت گشایش مجلس عوام انگلستان ۱۵ اوت موکول شد.

رادیو لندن روز ۱۰ مرداد

رویتر از پوتسدام اطلاع داده که مستر ترومن واستالین واتلی اسناد نتایج مذاکرات کنفرانس پوتسدام را امضاء نمایند وبدین ترتیب جلسات کنفرانس پایان می یابد وخبر دیگری حاکی است که شب مزبور قسمت عمده مذاکرات پایان یافته.

قرارداد آمریکا و عراق

ازواشنگتن خبر میرسد که دیروز میان عراق وامریکا درواشنگتن قرارداد وام واجاره امضاء گردیده است — کرو کفیل وزارت امورخارجه امریکا (عبدالله جودت بیك) وزیرمختار عراق درامضای قرارداد مزبور شرکت داشته و این قرارداد مانند سایر پیمانهای وام واجاره است که آمریکا باسایر دول منعقد نموده بود بطوریکه رادیوی لندن دربرنامی اعلام داشته که مارشال استالین کسالت مختصری در این دوروزه پیدا کرده بود و لذا مذاکرات کنفرانس پوتسدام متوقف مانده بود.

ریچارد دومیل بی خبرنگار مخصوص رادیو لندن ازبرلن خبر میدهد که دیروز بامداد اطلاع پیدا کرده که چون دراین دوروزه مذاکرات کنفرانس پوتسدام قدری عقب افتاده بواسطه کسالت مختصر مارشال استالین ازغروب شنبه گذشته مارشال استالین باترومن واتلی ملاقات نموده است حال مزاجی مارشال استالین روز ۳ شنبه ۹ مرداد بهبودی کامل یافته لذا برای ملاقات با ترومن واتلی آماده بوده است در هرصورت بطوریکه بامداد چهارشنبه دهم حاکی بود که سه پیشوای متفق پس از بهبودی مارشال استالین درپوتسدام ملاقات مفصل نمودند واین ملاقات بعبارت (ملاقات منتج) توصیف شده است روز چهارشنبه ۱۰ مرداد جلسه سران سه دولت تکمیل گردید.

ازنقطه نظر نور

هیچ قانونی بهتر از دستور الهی وتعالیم قرآنی ضامن حقوق ضعیف وکارگر و رنجبر نبوده وهیچ دستوری مثل قوانین الهی موافق مصلحت بشر نبوده و دافع مضار ومفاسد نمیباشد — شرکت دادن فقرا ومستمندان دراموال اغنیا باحفظ مالکیت آنان ولغو مالکیت اراضی مفتوح العنوه واجرای آن ازطریق نظم باحفظ امنیت و آسایش وحدود قضائی واداری عین دین اسلام است.

مجلس در یك هفته

از نظر ظاهات

بانجام هیچ عمل مثبتی موفق نشده نمایندگان اقلیت در روز یکشنبه ۷ مرداد بجز چند نفر حاضر نشده چون اکثریت حاصل نشد جلسه علنی تشکیل نگردید

عده از اقلیت شرحی را امضاء نموده تا آقای صدر ریاست وزراء راعهده دار میباشد از حضور در جلسه خود داری خواهند نمود واکثریت شرحی پیشنهاد نمود برای اینکه اقلیت حاضر شوند باز هم اقلیت حاضر برای حضور در جلسات نگردیدند روز سه شنبه نهم مرداد بنابر اطلاعی که آقای رئیس مجلس شورای ملی به آقایان نمایندگان داده بود که جلسه خصوصی تشکیل گردد و برای استماع گزارش آقای عدل رئیس هیئت اعزامی ایران بکنفرانس سانفرانسیسکو درمجلس حاضر شوند جز دو نفر از نمایندگانی فراکسیون توده هیچکدام از آقایان نماینده ذی اقلیت بمجلس نیامدند بدین جهت رئیس مجلس جلسه خصوصی را بدون حضور نمایندگان اقلیت تشکیل دادند و آقای عدل گزارش ماموریت خود را قرائت نمودند.

آگهی

واقعه تاثر آور ۱۷ مرداد ۱۳۲۳ مبتنی براستعمال سلاح بهائیان و کشته شدن یك مسلمان و اقدامات آلوده بدسایس شوقی و محفل روحانی تهران طبق مدارك مثبته روز ۱۷ مرداد ۱۳۲٤ منتشر خواهد گردید

نمایندگان ملت — آقای نخست وزیر = قضات وزارت دادگستری — لیسانسیه های حقوق — کارمندان ادارت — توده مسلمان — بخوانید و بخندید — بخوانید گریه کنید — بخوانید وعبرت بگیرید بخوانید ودرصدد چاره برآئید.

شرکت چاپخانه تابان

کتاب مناظره مأمون از کتاب عقدالفریدین عبده ربه اندلسی و از کتاب عیون اخبار الرضا تألیف صدوق علیه الرحمه در قرن سیم هجری.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد الله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیا و المرسلین محمد و عترته الطاهرین

دیباچه

حق آفتابی را میماند که روشن و نورافکن و بذات خود متجلی است لیکن از آنجا که طرفداران باطل همیشه بسیار بوده و قدرت و سلطنت و نفوذ همواره با این طبقه بوده است رخسار نورانی ودل‌آرای حق را زیر پرده‌های ضخیم نفوذ و قدرت خود پوشیده میداشته اند.

همچون ابری سیاه و تیره که گوش تا گوش افق را گرفته وروی خورشیدرا بپوشاند و نگذارد نور آن بدانسان که هست بزمین برسد و تاریکیها را بدرد و چشمها را خیره کند چندانکه کسی نتواند آنرا انکار نماید و یا بر آن پرده بپوشاند.

تشبیهی که ازپرتو حق نمودم و آن را آفتاب آسا جهانتاب گفتم بسیار بجاست و حق در جلوه گری و پرتو افکنی از خورشید جهانتاب نورانی تر و پرتو افکن تر است.

اما با این تناوب که آفتاب را با همین چشم سرهمه کس مینگرد و برفرض که در پس ابر های تیره و تارافتد باز نموداری بارزازان برجاست و هیچکس نتواند وجود آنرا انکار نماید

اما حق از آنجا که با چشم سران را نتوان دید و تنها با چشم بصیرت و دیده نهان بین باید آنرا نگریست دیدن آن با همه تجلیات بارز و نورپاشیها و فروغ افکنیها که دارد برای کسانیکه چشم نهان بین ندارند دشوار بلکه محال مینماید بنابر این کوتاهی از طرف تجلیات حق نیست بلکه نقص در دیده گان درو نیست که در بیشتر مردم اصلا وجود ندارد و در طبقه که وجود دارد بسیار اند کند متفاوت و به طبقاتی از شدت و ضعف قسمت بسته میشود.

اینکه گفتیم حق جلوه گر و پرتو افکن است و بسیاری از مردم راچشم دیدن آن نیست

دلیلش روشن و برهانش هویداست بحکم اینکه بیشتر مردم خودرا که برای دانستن و فهمیدن و سنجیدن است.

در خود میرانده و در زیر دست و پای هوس رانی هاوشهوت پرستیهاخورد و لگد کوب کرده اند و نه تنها با گوهر خرداین ستمهای فاحش کرده اندبلکه با چشم و گوش باید با آن به‌بیند و عبرت گیرد و با این بشنود و بپذیرد نیز چنان کرده اند و خداوند در قرآن مجید از این طبقه اکثری که بیشتر توده را تشکیل میدهند خبر داده و هویت اینان را باز نموده است آنجا که فرماید بیشتر جن و انس راه جهنم روند وطریق دوزخ سپرند(توگوئی که برای جهنمشان آفریدیم)

زیرا اینان با داشتن خرد ها چیزی نمی‌فهمند و با داشتن چشمها چیزی نمی بینند و با داشتن گوشها چیزی نمیشنوند ایشان هم چون بهائم و چهارپایانند بلکه از آنها گمراه تر.

بنابراین مردمی که نه چشم دارند و نه گوش و نه خرد دارند ونه هوش چگونه توانند پرتو حق را هرچند جهانتاب باشد بنگرند و تماشا کنند به خصوص اگر پیرایه برآن بندند باین معنی شاهان هوسران و دانشمندان جاه جومیات به طرفداری باطل به بندند و در رونق دادن بازار آن بکوشند در این صورت حق زیر پرده های بسیار ضخیم پوشیده و پنهان گردد و توده انبوه مردم از یکسو بر دین ملوك و شاهان خویشتنند و از سوی دیگر پیر و دانشمندان جاه جو و دنیا پرست که لباس طرفداری از حق را دربر کرده و خودرا هواخواه حق نشان میدهند چگونه توانند از پس آن پرده ضخیم و یا دوسد بزرك حق را بنگرند.

سخن را در اینموضوع بیشتر نکشم و برسر مقصود روم

تردیدی نیست در اینکه حق یکجا در یگانه مرد حق و حقیقت مولی - امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب ع بار گرفت و منزل کرد واز همان روزهای نخست زندگی جلوه های حق در او نمودار بود و بتدریج تجلیات حق در او هویدا تر گردید.

چندانکه گوئی یك تن است و دو نام دارد یکی علی و دیگری حق و همین سخن را با پیغمبر در باره او فرمود علی با حق و حق با علی است حق باعلی می چرخد هرجا که بچرخد و تمام کمالات بشری در شخص او تجلی کرد و صفات بارزه پیغمبران در او نمودار گردید و همین سخن را پیغمبر ع فرمود که آنکس که‌خواهد به علم آدم و عزم نوح و حلم ابراهیم و فطانت موسی وزهدعیسی بنگرد بعلی بنگرد.

هرگاه بخواهیم تجلیات حق را در علی بنمایانم دیباچه‌را بزرك کرده باشم خواستاران را بدو کتاب که در این خصوص نوشته ام حوالت میدهم یکی مهر تابان و دیگر جلوه حق وباینکه پرتو حق یکجا در اونمودار بود به بینیدچگونه زیر پرده ها رفت و دشمنانش چگونه جلوه آنرا خواستند از نظر ها پوشیده و پنهان دارند.

کسیکه مانند سیل فضیلت از خود بیرون فرستادومانند آفتاب پرتوحقیقت از خود نشان داد و یك عمر بار گران پیشرفت حق‌را بردوش کشید وتمام‌مشکلات و سختی ها و دشواریهائیکه پیشرفت حق در پیش داشت برجان خود خرید از بیم نکرد و بر دشمن پشت ننمود واز چهره هولناك مرك که‌اززیر برق‌شمشیرهاونیرزه‌ها ها خود را نشان میداد نترسید و دلاوران طرفدار باطل را که زور داشتند- نیرو داشتند - ثروت داشتند - عشیره داشتند - خون خواهان بسیار داشتند - ازپای درآورد و بهیچ وجه آینده خود را در نظر نگرفت و تنها پیشرفت حق را منظور نمود و حق را از جان و مال و اعتبار و همه چیز این جهان دوست تر داشت.

کسیکه عطوفت و مهرش برسر یتیمان و بی نوایان وناتوانان ودرماندگان سایه میافکند و خود گرسنه میماند و گرسنگان را سیر مینمود و خود باجامه کهنه وژنده میساخت و برهنه گان را جامه نو میپوشانید.

کسیکه با علم و حلم وجود و کرم و زهد و تقوی و فتوت وپارسائی و سایر صفات فاضله خود بازار فضیلت را رونق داد و جهان را بفروغ فضائل خود تابناك کرد و جمال عدل را به جهان بان نشان داد که از آن پس‌دیگر کسی‌رخسار دلارای عدل را ندید به بینید چگونه با شخصیت با حقیقت با فضیلتش بازی کردند و جلوه دلارای حقیقتش را پوشیده و پنهان نمودند کسی که آیات بسیاری ازقرآن در شأنش نازل گردید و پیوسته ستودگیها و فضائلش از زبان پیغمبر خاتم شنیده میشد به بینید با او چه کردند و چگونه دیگرانرا که شاگرد دبستان پست ترین شاگردانش بشمار نمی‌آمدند با او برابر گرفتند و بد اینان خواستند جلوهٔ حق و پرتو حقیقتش را از جهانیان باز دارند.

باری خلافت را که خواص او بود و جز براندام رسای او جامه خلافت ناز بود برای نخستین بار از او بگرفتند و برآن اثر زور و نفوذ و قدرت‌وسلطنت و حکمرانی و هرچیز که برای پوشیده و پنهان کردن پرتو حقش مدلیت داشت به خود اختصاص دادند (خواستاران تفصیل این‌وقایع‌جگرخراش‌را در کتاب جلوه داد که بتألیف آن مشغول و بخواست ویاری خداوند متعال آنرا بپایان میبرم بخوانند) و باین کار قناعت نکردند و با آن دو پرده که بدان اشارت کردم پیوسته روی‌پرتو حقش را می پوشانیدند و ای کاش ببردن خلافت که حق خاص او بود قناعت می‌کردند و اورا هم چنان بحال خود میگذاشتند که به جلوه گری مشغول باشد وجهان را بفزونی فضائل خود رونق و اعتبار بخشد.

خدامیداند که بجز پرتوحق‌علی‌ع‌چه‌دورانهای‌تاریکی گذشت‌وازهمه تیره ترو اسفناك تر در روز گار معاویه بود که تمام قدرت و نفوذ خود را در خاموش کردن فروغ حق علی ع

بکار برد و در منبر او را لعن کرد و بتمام حاکمان و والیان خودنوشت که بالای منابر جائی که پیغمبر را می‌ستائید او را لعن کنند و دشنام دهند واین کار تا زمان‌خلافت عمر ابن عبدالعزیز دوام داشت و هر چند در این کار سیاستی پنهان بود چه معاویه میخواست شیعیان و هوا خواهان و دوستان علی یعنی عشاق حق و حقیقت را از میان بر دارد و میدانست شیعیان‌علی تاب شنیدن لعن و دشنام او را ندارند و بی اختیار بدفاع برخیزند و یا در دوشه و کنار از چنان کار نا هنجار نفرت و رمیده گی اظهار کنند وبدینسان یکایك‌شیعیان علی شناخته گردند و هر کدام که ازعلی بیزاری‌جستند وتبری کردند او را لعن نمودند ازریختن خونش درگذرد و هر کدام که بر یك پا ایستاده و بر دوستی‌علی‌ع‌ایستاده نی نشان دادند از میان بردار دو بدار او برد وباعمل‌زهرا آلودبکشد

و خدا میداند که شیعیان‌وهواخواهان‌علی ع درراه‌سیاست‌جابرانه معاویه چه قربانیها دادند و از آن طرف محدثان شکم خواره و دنیا پرست رابران داشت.

که درمعایب ومثالب‌علی ع حدیث ها بسازند و نشر نمایند و بدینسان‌از فروغ حق او بکاهند و دلها را از عشق باو که به حقیقت عشق به حق وفضیلت است تهی و فارغ سازند

لیکن با همه این کوشش ها چیزی را که آرزو داشتند بدان نرسیدند وعلی‌ع دیگر بار به جلوه گری پرداخت و عشاق فضیلت را از گوشه و کنار جهان پروانه وار گرد شمع حقیقت و فضیلت خود جمع کرد بحکم اینکه ازبس فضائل و مناقبش بی شمار بود مفسران‌و محدثان عامه نتوانستند بر آنها پرده بپوشند و احادیثی که در مناقبش بود بتدریج بر سر زبان ها افتاد و زیب کتابها گردید با این وصف باندازه دلهای توده مردم رااز کعبه فضیلت علی بر گردانیده بودند که همان محدثان در راه نوشتن‌فضائل آن حضرت‌آسیب ها دیدند وآزار ها کشیدند که‌برای نمونه یك موضوع آن را میآورم

ابوعبدالرحمن احمدابن شعیب‌ابن علی‌ابن سنان ابن‌بحر نسائی که ازحفاظ وائمه حدیث سنیان است و در مصر زیستن گرفت و به نشر حدیث پرداخت و اوازه اش در اقطار پیچد در پایان عمر بشام سفر کرد و کتابی در فضائل‌علی‌ع و اهل‌بیت بنام خصایص پرداخت و بیشتر روایات آن را از امام احمدابن حنبل نقل کرد کسی از او پرسید چونست که در فضائل صحابه کتابی نپرداختی گفت بشام درآمدم وبیشتر شامیان را نگریستم که ازعلی‌ابن‌ابیطالب منحرفند

نا تمام

کتاب نظام عائله

کتاب نظام عائله که آقای آیته‌اله خالصی زاده در محبس شهربانی‌تهران در چهارده سال قبل مرقوم داشته بسعی‌واهتمام آقای شیخ علی خالصی اخوی‌ایشان با اجازه از شهربانی و وزارت فرهنگ بطبع رسانیده باتحمل مخارج زیاداداره شهربانی وقت تمام آنرا توقیف و جمع آوری نموده اخیراً هرچه از اداره شهربانی‌مطالبه‌شده‌اداره‌شهربانی باعتذار اینکدراداره شهربانی چنین کتابهائی یافت نمیشود از رد کردن آنها که محل استفاده عموم قرار گیرد خود داری کرده انیست آزادی قلم!

ویك جلد خطی آن نزد خود آقای خالصی بود که رئیس شهربانی ملایر برای مطالعه از ایشان گرفته و بعداً تغییر مأموریت داده از اوسؤال شده اظهار میدارد که باداره شهربانی مرکز نرستاده شده مجدداً از اداره شهربانی مطالبه میشود ادآره شهربانی اظهار میدارد چنین کتابی یافت نمیشود اینست نظم‌وترتیب اداره شهربانی!

ولی اخیراً خوشبختانه یك نسخه از آن که در همان موقع‌در تویسرکان‌یکی از اشخاص از روی نسخه خطی که بر داشته بطهران آورده چون هیئت علمیه دفتر نشریات دینی خواندن آنرا برای هر فردی لازم دانست برای نشر آن اقدام نمود.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب‌العالمین الذی خلق الناس من ذکر وانثی وجعلهم‌شعووباًوقبائل لیتعار فواو میز بینهم باالتوی و خلق لنامن انفسنا از واجاً و اوجدلنامنهن‌سکنا و جعلنا لباساهن وجعلهن لنالباساً و رزقنامنهن بنی‌وصلی‌الله علی رسوله محمدالذی بعث باحکام الدین وجعل من احکام نظام‌المعاشرة بین‌الزوجین و ترتیب تشکیل العائله علی‌احسن نظام و امتی اساس وعلی‌الله‌الطیبین‌الطاهرین الذین حفظواحکام و سید و انبیائه و بعد

البته معلوم است که سعادت بشر به حسن تنظیم و اجراء قوانین اجتماعی منوط و بر احکام‌آنها مربوط است بهترین قوانین اجتماعی‌آن قوانینی‌است که جامعه را تنظیم‌وعلاقه را باهم دیگر تحکیم نماید.

و چون جامعه از افراد تشکیل میشود پس صلاح جامعه بر صلاح افراد موقوف است لکن افراد یکسره و بلاواسطه جامعه را تشکیل نمیدهد بلکه در مرحله اول افراد جامعه‌هائی کوچك کوچك را ترتیب داده وآن‌جامعه‌های‌مختصر وکوچك جامعه بزرگ بشری را تشکیل می دهند مرادما از جامعه های کوچك عائلات و اهالی یك‌خانواده است و هرگاه این جامعه های کوچك اصلاح‌شدندو سعادت‌کامله را تحصیل نمودند آنوقت جامعه بزرك بشری میتواند درعرصه اصلاح و راه سعادت قدم بگذارد و الا جامعه بشر از سعادت و اصلاح محروم‌وبشقاوت‌و بدبختی گرفتار میشود و در اینجا معلوم می‌شود اصلاح جامعه بشری با صلاح عائله توقف دارد بنابراین شخص اصلاحی و خادم بشر در مرحله اول بفکر اصلاح‌عائله‌و تنظیم قوانین لازمه و اجرای آن می‌افتد.

قوانین عائله هر قدر محکم تر و منظم تر باشد بیشتر برای جامعه بشری سودمند خواهد بود بشراگر در فکر اصلاح عائله افتاد می‌تواند مدنیت فاضله را پیدا کند و سعادت را تحصیل نماید و الاباغتشاش نظم عائله و خانواده هیچ سعادتی پیدا نشده و اکتشافات فن و مخترعات عملی بجای اینکه راحت بشر را تامین نماید سبب اضمحلال او خواهد شد چنانکه این چند سالی که از قرن‌هشتم میگذرد خودشاهدو ناظر" نتایج و ثمرات ترقیات علمی وفنی بوده‌ایم اگر فرض کنیم که مرغهای فلزی فضا را پر کردهٔ و راههای آهن آورده و شرانین و عروق تمام قطعات زمین را بهم وصل نموده و دریا بواسطه شناگریها آهن و آتش از کشتی و غواصدهای مسخر شده)ورادیوم تمام سطح کره رامنورساخته و تمام معادن استخراج شده و کنوز مخفی زمین بدست بشر افتاده و صدای‌یك‌انسان از شرق‌بغرب بوسیله رادیو رسیده.

در حالتیکه بشر راحت فکری و صحت جسمی نداشته باشد چه‌فایده وچه سعادتی برای بشر حاصل خواهد شد بلکه بالعکس آنها سبب عذاب بشررافراهم خواهند ساخت بدیهی است راحت خیال و صحت جسم فقط از ناحیه حسن نظم و ترتیب عائله برای بشر ممکن است حاصل گردد نظم عائله میتواند محبس‌هاراخالی بگذارد حسن ترتیب خانوادگی قدرت دارد که نگذارد کسی بمحاکم جنائی و حقوقی برود مادر و پدر میتوانند بحسن انتظام اولادشانراازطبیب‌مستغنی‌بدارند مجالس و محاکم از وقوع‌خیانت حاصله جلوگیری نمیکنند بلکه‌عقوبت‌ومجازات از خیانت حاصله‌برای‌جلوگیری از خیانات آتیه تعیین مینماید پس‌محاکم و محبس ها از روی اضطرار خیانت (دیگری راعلاوه‌برخیانت اولی ارتکاب مینماید.

لکن تنظیم خانواده از وقوع اصل جنایات و مجازات بر آنها جلوگیری مینماید محکمه و محبس حکم رافع دارد و مادر و پدر حکم مصلح ودافع، طبیب‌ازورودمرض‌بمریض‌جلوگیری‌نمیکندبلکه مرض وارده را بتوسط‌وارد کردن ورا بتوسط وارد کردن زحمت دیگری بر مریض دراستعمال دوا و تحمل‌جراحی‌و غیره رفع می‌نماید لکن حسن ترتیب عائله از اصل‌ورود مرض جلوگیری میکند پس طبیب دافع مرض بزحمت و مشقت است‌ونظم‌خانواده دافع آن بسهولت و آسانی است عائله اگر تنظیم شد برای بشر بد نیست و سعادت هست اگر منظم نشود سعادت و مدنیت صحیحه ممکن نیست حاصل بشود علمای اخلاق می‌گویند برای تحصیل اخلاق فاضله و ملکات پسندیده چهار عامل‌مؤثر موجود است.

اول سلامت ابدان پدر و مادر دوم محیطی که انسان در آن زندگی میکندسیم تربیت‌مدرسهٔ که‌ضمن‌آنست‌چهارم اقتباس ازدیگران‌است برای‌عامل‌اول هیچ‌شرطی زیادتر از اصلاح خانواده لازم نیست برای سه عامل دیگر آزادی فکر حاکمیت یك ملت‌شرط لازم‌واجب است ملت مغلوب محیط صالح و ترتیب پسندیده را نمیتواند پیدا کند وازاقتباس‌اخلاق‌فاضله محروم است.

قوهٔ حاکمه‌قاهره‌راگرآزاد بکنند مصلحت غالب هم اقتضا میکند که‌محیط را فاسد کند و از تربیت صحیحه منع وآنرا بترتیب فاسده مبدل بسازد همانکار را میکند برای اینکه ملت فاسد الاخلاق ممکن است که مغلوب و مقهور بشود و ملت صحیح‌الاخلاق باشهامت و فتوت وجوانمرد و درستکار وآشنا بوظیفه خود و غیره میشودو هیچ‌ممکن نیست که‌مغلوب ومقهور بشود و استقلال خودراازدست بدهد لذا همیشه مصلحت‌غالب استعماریها اقتضادارد که اخلاق ملل مغلوبه‌را فاسد کننده وآنها را دچار شهوت پرستی ویست فطرتی و فقروذلت و احتیاج‌فضول زندگانی و صرف وقت بقمار و بازیهای غیرمفید و تأثر های‌مهیج‌وسینماهای‌رذل و غیره بکنند که از استقلال و حریت بعذلت و عبودیت و محکومیت‌تن بدهند اول شرط اساس برای‌ترقی‌یك‌ملت تصحیح اخلاق و ملکات افرادآن ملت است‌این عقیدهٔ علمای اخلاق است.

ولی من‌می گویم برای کسب ملکات عالیه و اخلاق فاضله و ترویج‌فضلیت و دفع رذیلت فقط یك عمل مؤثر اساسی موجود است وسه‌عامل‌دیگرجزومحسنات و ترتیبات است اگر این عمل اساسی حاصل شد باقی بالطبع و بالتبع حاصل می شود اگرآن یك اصل حاصل نشد باقی حاصل‌نمیشرد.

وآن یك اصل اساسی اصلاح عائله است وبس خانواده اگر با اخلاق فاضله وملکات پسندیده باشدحتماً طفل همان طور تربیت و بالنتیجه محیط اصلاح خواهد شد

حسب‌ازدیگران‌پیدامیشودوهیچ‌حادم‌ماهروغالب متبحران غلبه‌نخواهد کرد هرخیر و سعادت... دراصلاح عائله موجود است و بس... عقیده سیاسیون علما این است که به سیرترقی و تقدم آلمان مبنی است برهمان‌قاعده... که‌در آلمان شایع است.

آن‌قاعده برسه‌کلمه‌مبتنی است وهرکلمه‌حرف‌کاف‌بزبان آلمان وترجمه آن سه‌کلمه‌است این‌است(خانه - فرزندکلیسا)این‌سه قسم‌در آلمان‌تکیه گاه‌ترقی‌آلمان ها است دو قسم مربوط بعائله و یکی نتیجه عائله است عائله صالح کلیسارا می - تواند اصلاح کند خوبست تکیه گاه‌ترقیات بااین سه‌چیز بشود(منزل فرزند مسجد) و عائله را برحسب قانون مبین‌اسلام می‌تشکیل و نظیم بدهیم تابدرجه سعادت و ترقی برسم همین مسئله فکر مرا از زمان طفولیت اشغال کرده بود وقتی که در ایران وارد شدم از نقطه نظر علاقه مندی بین مسئله در تمام مسائل اجتماعی مطالعه نمودم‌وازجمله همین مسئله مهم اساسی است که‌فکر مرا بیشتر بخودجلب نمود ملاحظه کردم که اختلال خانوادگی در ایران زیاد تر از تمام ممالك دنیا است و روزبروز بر اختلال آن افزوده میشود و ممکن است این مملکت را مضمحل و ونابود سازد و از همه بدتر آن که نویسندگان و علماً و حکام وسایر طبقات نیز بهیچوجه درصدد اصلاح آن نیستند باطبقات مختلفه مردان در این خصوص مذاکره نمودم حس اصلاحی‌را در وجودآنان نیافتم بعض خانمها منورالفکررا که مدعی تصدی اصلاحی زنان بودند دیدم پس از مذاکره با آنها معلوم‌شد که از موضوع بکلی دور و بی اطلاع و برت هستند خود در صدد تشکیل خانواده در طهران برآمدم از طبقات اشراف یکی را که مدعی علم و هنر بودعقد کردم‌پس از چند روز قطع کردم زیرا که این محدره محترمه در فکر همه چیز بود جز بفکر شوهر داری و تربیت اولاد و ترتیب زندگی و نگهداری لوازم خانه تصور کردم که ترتیب اعیان‌اینطوراست عقد و ازدواج با آن‌خانم‌رامنحل کردم‌و زنیرا از طبقه کسبه عقد نمودم پس از چند روز حقتقیاً برحال‌آن زن اول رقت کردم زیرا آن بیچاره درصدد گردش وتفریح بود و میدانست برای چه می رودلکن‌دومی آنمقدار را هم نمی‌دانست فقط‌شنیده بودومیخواست اینطور باشد ولی‌چه‌جور باید گردش کند و تفریح‌نماید

نمیدانست ازاین‌هم‌مایوس شدم واز‌فکرتشکیل خانواده‌منصرف‌شدم‌وبحال یاس بودم و از تشکیل خانواده منصرف گردیدم که شنیدم جمعیتی‌ازمنورالفکرهای طهران‌اززن‌ومردباسم جمعیت (بانوان) تشکیل شده‌وغرض‌آن جمعیت اصلاح ترتیب خانواده نی‌است فوق‌العاده‌خوشوقت‌شدم وخیال کردم آنچه‌را که‌درجستجوی‌آن بودم یافتم دراین‌بین‌نماینده‌آن‌جمعیت‌مرحوم معیرالملك‌بنده‌رابکانون‌آن جمعیت‌دعوت نمود قبل از موعد آن‌مرحوم بمرض سکته‌در زمانی‌راوداع کرده

حقیقتا فوق‌العاده متوحش‌شدم‌وخیالی بمن‌رسید که شاید این‌جمعیت نظم نباشد بواسطه‌اینکه مرك سکته یکی‌ازعلائم بی‌نظمی‌خانواده‌است‌اما چون خدمت منحصریست مایوس‌نشدم‌بعد ازاین‌آقای آقا میرزا ابوالقاسم خان‌آزادمراغه‌ئی‌رادعوت بمرکزآن‌جمعیت بعنوان نمایندگی‌آن‌دعوت‌نمود باکمال‌اشتیاق‌باجمعی ازرفقا بمرکز جمعیت که‌چهارراه حاج‌محراب‌بود رفتم

رفقاعبارت بودنداز‌آقا شیخ‌حسین‌لنکرانی وآقاسید حسین واخوی آقا شیخ عبدالحسین وافراددیگر بمحض‌اینکه بآنجارسیدم همهمه زیادی‌درمنزل حادث شد و بعداز چند دقیقه اجازه ورود بمادادندواردشدیم.

عده‌ازآقایان از قبیل‌سرهنك‌ملك‌زاده‌وشاهزادهٔ اعتضادالسلطنه وغیره‌بودند معلوم‌شد که‌آن‌همهمه برای‌این بود که زنهارا خارج کنند وباطاق دیگری ببرند چونکه‌بامردها دریك اطاق بطور مختلط نشسته‌بودند.

این‌قسمترا دانستم و فهمیدم که‌این‌اول تزویری ست که‌ازاین‌جمعیت‌مشاهده می نمایم اگرجمعیت‌اصلاحی‌باشد چرانباید وصراحت لهجه وعمل داشته باشد؟

کسی که‌درصدداصلاح‌است چه‌داعی‌به تزویر تدلیس‌دارد؟

با تمام

بسم الله الرحمن الرحیم

خدا یار گروه مومنین است و آنهارا از ظلمات بنور خارج میکند وگروه کافران یاران آنها (دیوان سرکش) و آنهارا از نور بظلمات خارج میکند

منشور دینی ناشر حقایق اسلام ومثبت اینکه اداره عالم جز با اجرای تعالیم آن ممکن نیست

شنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۳۲۴ شمسی مطابق ۲۵ شعبان ۱۳۶۴ قمری (شماره اختصاصی ۱۵) تکشماره اختصاصی ۲ ریال وصد شماره آن ۲۰۰ ریال

فوائد صحی و اخلاقی واجتماعی روزه

احکام شرعیه برمصالح ومفاسد مبتنی است یعنی هر چیزی که فعل آن نفع و ترك آن ضرر داشته باشد شرعاً واجب است وهر چیزی که ترك آن نفع وفعل آن ضرر داشته باشد شرعاً حرام است وهرچیزی که درفعل آن نفع هست ودر ترك آن ضرر نیست مستحب است وهرچیزی که درترك آن نفع است ودر فعل آن ضرر نیست مکروه است وهر چیزی که در فعل و ترك او ضرر ونفعی نیست وفعل وترك آن یکسان میباشد مباح است.

تمام احکام شرعیه بر این اصل مقرر است وحکم تعبدی هیچ نیست حضرت امام رضا فرمود حکم تعبد در شرع نیست وهر که میگوید که احکام برای تعبد است بخدا دروغ بسته بلکه کافرشده ا دراحکام برای تعبدبوده چرا خدا بزنا امرنکرده وازنماز نهی نفرموده که مردم ازروی تعبد زنا کنند ونماز را ترك کنندهر گز خدا حکمی را بیهوده امر نکرده در زنا ضرری هست که خدا آنرا حرام کرده ودر نماز نفعی وفوایدی هست که بآن امر فرموده وهیچ حکمی برای محض تعبد نیامده حضرت امام رضا باین حرف برمبتزله که میگویند احکام شرایع برای تعبدمحض است رد کرده ازجمله احکام که در فعل آن برای بشر نفع هست ودر ترك آن ضرر بی شماری وجود دارد حکم روزه است که شرعاً سالی یکماه واجب شده است منافع وفواید روزه بی شمار است.

ازنقطه نظر اخلاق واجتماع فواید آن بسیار است اقل فوائد آن این است که روزه دار که گرسنه میشود قهراً بگرسنگی فقراء وبینوایان متوجه می شود وبر آنها ترحم می کند و بیاد گرسنگی وتشنگی روز قیامت می افتد از ظلم وستم و ارتکاب مناهی خودداری میکند وخون وعصلات او از فضولات پاکیزه میشود و موجباتی برای شدت غضب وبی صبری واعمال شهوات که موجب سوء اخلاق هستند باقی نمیماند و دماغ از تفکرات وخیالات نایخته پاك میشود ومزایای حسن اخلاق چنانچه اخیراً تحقیق شده و بسته باعمال دماغی است وانسان بواسطه روزه ازنقاص مادی دور وبحال ملکیت وملکوتی نزدیك تر وبواسطه آن حقیقت انسانیت تکمیل میگردد واطوار بهیمیت وحیوانیت ازآن سلب میشود فواند اخلاقی واجتماعی بان مقدار منحصر نیست برای رعایت اختصار باین سطورا کتفا می کنیم.

آزادی حقیقی که منظور آزاد دانست کاملا بواسطه روزه تأمین میگردد چون بواسطه روزه بزرگترین قیود وزنجیرهای مادی که بنده کی انسانرا آشکار کرده گسسته میشود وآزادی حقیقی پیدا میکند قیدی ازعبودیت و بنده گی برای انسان شدیدتر ازقید خوراك وآشامیدن وخوابیدن نیست هرگاه انسان ازاین قید توانست رهائی پیدابکند میتواند بآسانی ازسایر قیود بنده کی رها شود وکسی که قدرت مقهور کردن نفس خودرا ازخورد وخوراك وخواب پیدامیکند قادر خواهد بود برتحمل تمام شداید وصعوبات ومقهور کردن تمام معارضین ومعارضات ومنتها درجه آزادی حقیقی این است عالی ترین درجه تفوق اخلاقی واجتماعی درآن حاصل می‌شود.

آزادی حقیقی بروزه تامین میگردد ودراین زمینه شرح مبسوطی هست که روزنامه نور سنجایش ثبت درج آنراندارد.

فوائدصحی روزه — حضرت رسول فرمودصوموا تصحوا یعنی روزه بگیرید صحت می یابید ودر این دوکلمه کتابهای بسیار زیادی نوشته شده است که اخیراً اطباء ثابت کرده اند که تمام امراض را بواسطه روزه میتوان معالجه کردو کتبی در این زمینه نوشته اند وثابت کرده اند که روزه بهترین دوائیست برای فورمولهای معین برای تمام امراض اما اطباء اعم از اطبای فرانسه وانگلیس وآلمان وامریکا وغیره درست بفرمایشات حضرت رسول متوجه نشده اند.

حضرت رسول نگفته است که روزهٔ فقط علاج ودوای امراض وارده است بلکه فرمود اگر کسی روزه بگیردامراض بدان وارد نمیشود که نیازمند بعلاج باشد برای تشریح این حدیث شریف ازنقطه نظر طبی کتاب بزرگی لازم است ولیکن فعلا فهرست وار بفوائد حفظ الصحه روزه اشاره مینمائیم.

تاثیرروزه برمعده- معده دارای طبقات والیاف وخمله ها وغدد ترشحیه و ترشحات مختلف که اسیدهای متساوت ازآن ترشح میگردد ودارای حرکات رخوی وضرباتی میباشد که همه اینها برای تبدیل غذا بحال کیلوسی و افراز مواد خشبیه و فرستادن آنهابمعاء وفرستادن کیلوس بکبدابواسطه ماساریقا

خداوند متعال مقدر فرموده واز اعاجیب صنع الهی در معده این است که گوشت راحل می کند ولیکن گوشت جدار خودرا حل نمی نماید که این مسئله در دفیزیولوژی مجهول مانده ولیکن ا درمعده خالی شد متوجه خود می‌شود واول امر فضولاتی که درخمل وجدارهای معده وجود دارد می‌خورد هرگاه معده دائما مشغول بخوراك باشداین فضولات تمرکز پیدانموده وخمل‌ها وحرکات معده‌را ازبین می‌برد واورا ازحل غذا خارج می کندخداوندمتعال روزه راواجب کرده ودرنتیجه گرسنگی فضولات خورده شودودر معدهٔ باقی نماندو براعمال فیزیولوژی خود قادرباشد وباید این گرسنگی بطورعادت نباشدچون اگر عادت بشودمعده‌را بحس نمی‌آورد واین نتیجه ازآن گرفته نمی‌شود لذا تدریجاً باید درهرفصل باشد ودرفصل معین نباشد ازاین جهته درماه‌قمری فرقی شده که بین‌فصول سال گردش تدریجی درتمام عمردارد (خری بنام میرزا خدا این نکته دقیقرا درك نکرده وروزه راقبل ازماه فروردین باغنام الله فرض نموده)

تاثیرروزه بر کبدوظایف فیزیولوژی کبداحاله گیلوسی غذائی بکیموس و تبدیل مواد قندی آن ونگهداشتن قند انگوری برای ادامه احتراق و حرارت و افرازمواد صفرابمراره وموادمایعه زاید براحتیاج خون بکلیه‌وقس‌علی ذالك وبالجمله اهم‌وظائف کبداین‌است که‌انبارقندانگوری‌باشداگر بگرسنگی‌دچار نشوداین‌انبار تشمع یاتذبذب پیدا می کند و قدرت بر ادامه وظیفه فیزیولوژی خود نخواهد داشت خداوندمتعال که کبدرا اینطور خلق کرده به حکمت خود روزه را بربنده‌اش واجب کرد که بر کبد خللی وارد نیاید و باید روزه در فصول مختلفه باشد

تاثیرروزه برقلب خداوند متعال وظایف فیزیولوژی مهمی بر قلب‌داد در قبض وبسط و حرکت دادن اورده و شرائین و شریه و نقل خون کثیف غلیظ و سیاه از اورده بواسطه‌دهلیز بزرك‌است‌وتصفیه‌ونقل‌صافی آن‌بواسطه‌دهلیزچپ‌بشرائین و ادامه دوره‌ی کوچك و دوره خون واین وظایف‌قلبی که اهم آن تصفیه خون است تا برای تصفیه‌ازگرسنگی فصلی کمك نگیرد نمیتواند ادامه بدهد و خللی در اعمال قلب که تمام امراض قلبیه را تشکیل میدهد موجود میگردد

تاثیر روزه بر دماغ

تعاریج و الیاف و اغشیه و عصب دقیق و طبقات و پیچیدگی های مغزی و قهفه و جمجمه هریك وظیفه خواصی برای ادامه حیوة انسان دارد و ممکن نیست این‌وظیفه از خلل مصون باشد مگر بواسطه روزه در فصول مختلف اجرا یشود

تاثیر روزه برریه

دو ثلث خون بدن انسان در ریه تمرکز دارد واعمال کسب اکسیژن ازهوا و پس دادن مواد محترقه بنام ازت بواسطه شهیق و زفیرتنفس وتصفیه خون وادامه احتراق ورسانیدن مواد اکسیژنی بتوسط گلبولهای سرخ‌خون که در انجا درآمدوشد هستند کیسه های اسفنجی را پر میکنند اگر روزه باختلاف فصول نباشد ریه ازادامه این‌وظیفه‌عاجزخواهد بودودخلل که‌تمام‌امراض‌ریوی‌راتشکیل‌میدهدحادث‌خواهد شد.

تاثیر روزه برمعاء و مراره وکلیه‌وطحال‌و مثانه و رحم و والات تناسل و اطراف

این اعضاء و عصلات دارای و ظایف‌فیزیولوژی محیر العقول هستند که‌خداوند متعال در آنها و دیعه قرار داده است و اگر روزه نباشدخللی که تشکیل دهنده امراض این اعضا میباشد براین ها وارد میشود.

تاثیرروزه‌برچشم و بینی و گوشطبقات‌چشم‌وگوش‌وبینی که‌بهم‌ارتباط دارنددرهریك‌بودیعه‌الهی‌بوظیفه‌فیزیولوژی‌بقدرت‌سجانی‌است‌واگرروزه‌برحسب‌فصول تدریجی نباشد این‌اعضاء وطبقات آنها مختل‌میشود و امراض چشم و حلق و بینی و گوش حادث میگردد تاثیر روزه‌برخون-خون که‌ودیعه‌الهی‌دربدن‌انسان‌میباشددارای گلبولهای سرخ‌وسفید وحجرات واملاح‌مختلف وماده فیرینی‌و مایعات مختلفه و محل سیروشناء میکروبهاوانتقال‌و تولد آنها میباشد هرذره از او دارای وظیفه خاص فیزیولوژیست وعلی‌العموم بواسطه دوران‌بزرك و کوچك دارای وظیفه عمومی فیزیولوژی بدنیست و تمام آن‌وظائف الهی اگرازروزه کمك نگیردمختل‌میگردد وانواع امراض متعلقه بخون‌حادث میشود

تاثیر روزه‌برعصب— عصب حساسه‌وعصب‌محرکه و عصب دقیق هر یك دارای وظایف فیزیولوژی عجیبی هستند خداوند متعال برای ادامه حیات و شعور وجلوگیری‌ازمضرات‌قوائی دراینها قرارداده واگرروزه‌نباشد این وظایف‌مختل‌میشود وعوارض وامراض عصبی حادث‌میگردد.

تاثیر روزه‌برجلد—جلدانسان‌دارای‌طبقات‌واغشیه‌میباشد و خداوندمتعال هریك را برای عمل‌حیاتی خلق کرده واین‌وظائف بدون روزه مختل وانواع امراض جلدی حادث میشود. تاثیرروزه برعموم بدن — سلولهائی در بدن‌یافت‌میشود که‌مرده‌نیستند که بواسطه تحلیل‌و براز از بدن خارج شوند و زنده نیستند که جزء صالح بدن گردند همیشه کل بربدن و موجب حدوث‌امراض میشوندومیکروب هائی در بدن وجوددارند که برتوالد وقوتشان افزوده میشود و موجب حدوث امراض مختلفه میباشند وفضولاتی دربدن پیدا میشوند که موجب امراض و بالاخص امراض خاوی میشوند مانند استخر منظریه وامیبه‌به محل شنای انواع میکروبات بالاخص میکروب سفلیس وسوزاك‌هستند چاره‌ود وائی‌برای کشتن‌سلولهای نیم‌مرده وضعیف کردن یك‌قسم‌میکروبها وازاله توالد فضولات به جزروزه‌نیست اینك‌منحصر اطبا امروزه‌بعضی ازامراض را بروزه‌معالجه میکنند

اثرمحسوس‌روزه—چوی روزه‌این‌اعمال را جاری‌می کند اثرمحسوسی ازاودربدن هویدا میگردد و انقباض نفس واحساس وسرفه‌وتنخم وخارج شدن رطوبات‌ازدهن خیره شدن‌چشم گیجی‌سر بدبوئی‌دهان وبالاخره لاغری بدن‌محسوس میشود این همه ازنقطه‌نظر طبی دلیل قطعی است براینکه روزه از هردو ابر بدن بهتر است زیرا هر دوائی یکی ازاین عوارض‌را ایجادمیکند وروزه تمام‌این‌عوارض را ایجادمینماید

ازشیخ‌الاطبا بقراط پرسیدن که چرا درموقع خوردن دوا بدن سست و ناتوان‌میگرددومرض‌بیشتر ظاهرمیشودجواب‌دادبرای اینکه خانه درموقع‌جارو کردن بیشتر گردوخاك داردبهترین‌نظافت برای جاروب کردن‌بدن روزهٔ است که گردوخاك آن بیشتراست.

اغسال‌روزه—چون روزه برعموم بدن تأثیردارد و بالاخص اثر او در عصب وجلد براسطه زیادی افرازات بیشتر است وبهترین علاجی برای‌اعتدال عصب و نظافت جلد است درماه مبارك‌رمضان مستحب شده‌است که درلیالی‌افراد یعنی‌یك شب درمیان‌ازاول ماه مستحباً بایدعمل کنند

اجر وثواب روزه — بااین فوائدی که روزه دارد ونفع‌آن عاید افراد و جامعه‌انسانیست‌خداوند متعال به لطف‌خود اجرعظیمی برای آن قرارداده که‌درخطبه حضرت رسول بیان گردید و درصدراین منشور نور آن تایید ومحتاج باعاده ذکر خطبه نیست.

بدبختی‌وحماقت‌بشروبالاخص‌بعضی‌مسلمانان -فواید دنیوی‌واخروی روزه‌مجتملاد کر دردیم بشرچه‌اندازه بدبخت‌است که‌ازاین‌فوائدبی‌شمارولطف‌ورحمت بی‌پایان ازلی استفاده نکنند وبالاخص ایرانیان امروزه که هزاروسیصدسال‌متجاوز پدران آنها ازین رحمت وبرکت بی‌پایان ازلی ابدی استفاده میکردند چه نحو این‌نعمت‌راریرپا گذاشته‌اند

تکلیف دولت — ای دولت ایران ندای الهی‌را اجابت کنید ماه مبارك رمضان روبروی شما آمده است ماه تسبیح‌وتقدیس الهی‌است ماه نمازوعبادتست‌ماه شهادت علی‌علیه‌السلام است ماه لیلة‌القدراست ماه برکات وخیرات ربانی است. در میخانه‌ها را بربندید کافه ها ورستوران‌هارا بالاخص درروزتعطیل کنید رادیو را بخواندان قرآن‌ومناجات واذان درموقع‌اذان واعلام سحردروقت سحر تخصیص‌دهید واز سازوآواز وتاتر وسایرمفاسد منع کنید روزهٔ مردان را بدیدن‌زنان نا محرم فاسد نکنید چون‌دوچشم‌هم باید روزه‌بگیرد مجالس‌فسق‌وفجور وقمار و رقص و دانس‌را درماه مبارك رمضان لااقل در کشوراسلامی موقوف‌سازید

غسل درماه ومضان مستحب است امانگذارید که در استخرمنظریه‌وامجدیه برای‌محارم وغیرمحارم باشد ازتظاهر بخوردن روزه در این پایتخت اسلامی جداً جلو گیری کنید وبانوان‌محترم را از کلیه ادارات ووزارتخانه‌ها بواسطه شدت گرما واحترام‌ماه صیام مرخصی‌دهید والا غضب‌الهی وشدت گرفتاری دردنیا وآخرت نصیب خواهد شدوآتش که گرفت خشك‌وترمیسوزد

آقای دکترمصدق— ازاجابت دعوت وتشریف فرمائی جنابعالی به‌جشن مسجد چاله‌حصار بسیار تشکردارم‌ولیکن‌ازتظاهر شما بخوردن روزه درمجلس‌شورای ملی درسال گذشته بسیار گله‌مندیم وممکن‌نیست دلم ازشما پاك‌شود مگراینکه توبه کنید فرمودید که مریضم مریض حرام است که‌تظاهر بخوردن روزه نماید آن هم درمجلس شورای‌ملی وبرغم حقوق منتسکیوی شماشرعاً تعذیر یعنی تنبیه بدنی دارد وفرمودید که سی‌سال‌است مریض هستم وروزه‌نمی گیرم وای بر ملتی که قائد و جیه‌الملة آنها مانند شما است که باین‌اندازه جهل باحکام و مقدسات دینی خودشان دارند.

مرض‌شما اگرروزه‌بگیریدحال‌عصبی‌شما اگرروزه‌بگیریدتزلزل‌واضطراب‌شما اگرروزه بگیریدگریه‌واضطراب‌شما دراثرهرخطبه‌وغش کردن‌شما اگرروزه‌بگیریدعنادولجاجت شما اگرروزه‌بگیریداهانتی که برملت ودولت ایران دردوره چهاردهم کردید ودر تمام مدت این دوره‌آنهارا دربلاتکلیفی گذاردید وترس از خدا وخلق نکردیداگر روزه بگیرید تمام آنها مرتفع میشود خدا را بگواهی می‌طلبم غرضی باشما واحدی ندارم وبجزسعادت جامعه بشری عموما بایرانیان خصوصاً که شما نیز یکی از آنها میباشیدمقصدی ندارم خدا مرا وشما وعموم بشررا هدایت وبشاه راه سعادت برساند و برضاءت خوددردنیا وآخرت ماوا سرفرازگرداند.